**سلطنت با شُکوه مؤمنان در بهشت**

 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم

اَلحَمدُ لِلِه رَبِّ العالَمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا وَ حَبیبِ اِلهِنا اَبِی‌القاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلّی اللهُ عَلَیْهِ وَ عَلی آلِهِ الطّاهِرِینَ سِیَّما بَقِیَّةُ اللهِ الاَعظَم مَولانَا حُجَّةِ ِبنِ الحَسَن عجّلَ الله تَعالی فَرَجَهُ وَ لَعنَةُ اللهِ عَلی اَعدائِهِم اَجمَعینَ اِلی قِیامِ یَومِ الدّین

**مسئله ی شرعی:ادب ورود به مسجد**

از جمله ی نوافل به اصطلاح نوافل مکانیه است یعنی برای ورود به مکان خاصّی نماز نافله خوانده می شود.از جمله تحیّت مسجد است.یعنی برای ورود به مسجد در شرع مقدس نماز تحیّت وارد شده است. و آن آدابی دارد.تحیّت همان درودی است که وقتی انسان در اولین لحظه ای که با کسی ملاقات می کند به او سلام می کند و سلامتی او را می خواهد مسجد هم خانه ی خداست کسی به خانه ی کسی می رود مسلّم نسبت به صاحب خانه تحیّت و درودی دارد بدون سلام که وارد نمی شود. به صاحب خانه سلام می کند و بعد وارد می شود ورود به خانه ی خدا هم سلام دارد.سلام به خدا همان نمازی است که خوانده می شود همان سلامی است که به صاحبخانه عرض می شود.حالا هر نمازی که وقت فریضه اش رسیده با همان فریضه که می خواند حساب می شود یا اینکه نماز قضایی می خواهد بخواند وارد می شود و همان نماز قضا حساب می شود.نماز، حالا یا نماز ادا باشد یا قضا باشد یا نوافل دیگری مثل نماز حضرت جعفر طیّار بخواند و وارد می شود و شروع می کند.بهرحال وقتی که وارد مسجد شد نمازی بخواند که این سلام بر خدا حساب می شود.آن هم به محض ورود نه اینکه قدری بنشیند و بعد نماز بخواند نه این نماز تحیت حساب نمی شود.مثل این که آدم وارد خانه ی کسی بشود و حرفی نزند و بعدِ نیم ساعت بگوید سلام علیکم این ادب ورود و تحیّت نیست.در آن دعای ورود مسجد هم داریم که باید گفت بسم الله و بالله و مِنَ الله و الی الله و خیر الاسماء کُلُّها لِلّهِ بعد بگوییم اللهم اجعلنی مِنْ زوّارک و عُمّار مساجدک [[1]](#footnote-2) یعنی خدایا! [من که آمده ام دوست دارم] مرا در زُمره ی زوّار خود حساب کنی که زائر تو باشم خدا هم زیارت دارد.همانطور که حرم امام رضا علیه السّلام زیارت دارد حرم امام حسین علیه السلام زیارت دارد وقتی که وارد مسجد می شویم زائر خداییم و خدا را زیارت می کنیم. الّلهم اجعلنِی مِنْ زوّارک و عُمّار مساجدک یعنی خدایا! مرا از کسانی قرار بده که زائر تو و آباد کنندگان مسجد های تو هستند.کسی باشم که در آبادانی خانه ی تو دخیل باشم من هم مؤثّر باشم و خانه ی تو را آباد نگه دارم در زمره ی زوّار تو حساب بشوم اللهم اجعلنی من زوّارک و عمّار مساجدک و مِمَّن یُناجیک فی اللَّیلِ و النّهار[[2]](#footnote-3)1 از کسانی باشم که شبانه روز با تو مناجات دارند و از کسانی باشم که در مناجاتشان خشوع دارند بهرحال این دعا از آداب ورود به مسجد است و نماز تحیّت از آداب مسجد و سلام و درود بر صاحب خانه است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

إنَّ الّذینَ سَبَقَت لَهُم مِنّا الحُسْنی أُولئِکَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ \* لا یَسْمَعُونَ حَسِیسَهَا وَ هُمْ فِی مَا اشْتَهَتْ أنفُسُهُمْ خالِدُونَ [[3]](#footnote-4)2

بی تردید کسانی که پیش تر از سوی ما وعده نیک به آنان داده اند،از دوزخ دورشان نگه می دارند\*کمترین صدای آن را [هم] نمی شنوند، و آنان در آنچه [از نعمت های الهی] دلشان بخواهد جاودانه اند.

**روش قرآن رعایت اعتدال**

در آیات قبل بخشی از سخن راجع به جهنمی ها بود که حق تعالی فرمود: وَ اقْتَرَبَ الوَعدُ الحَقُّ فَإذا هِیَ شاخِصَةٌ أبْصارُ الَّذینَ کَفَرُوا[[4]](#footnote-5)3 آن کسانی که کفران نعمت خدا کرده اند و سرپوش بر عقل خود نهاده اند و با خدا رابطه ای نداشته اند اینها آن روز چشم هایشان از آن وحشت و دهشتی که از صحنه های جهنم و آخرت می بینند خیره می شود لَهم فیها زَفیرٌ[[5]](#footnote-6)4 آنان در جهنم ناله هایی دارند قرآن کریم این است که وقتی از جهنمی ها سخن به میان می آورد از بهشتی ها هم صحبت می کند که حالت خوف و رجاء هم بطور موازی در قلب آدمی پیدا بشود هم خائف باشد و هم راجی.هم راغب باشد و هم راهب.هم رَهبت از جهنم در او پیدا بشود و هم رغبت به سعادت ابدی.حالا چون آیات قبل مربوط به جهنمی ها بوده در ادامه چند آیه دنبال هم راجع به بهشتی هاست إنَّ الّذینَ سَبَقَت لَهُم مِنّا الحُسْنی أُولئِکَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ آنها در میان جهنم غرقند و ناله دارند ولی بهشتیان از جهنم خیلی دورند.به گونه ای دورند که اصلا آن نعره های اهل جهنم را نمی شنوند با این که جهنم خیلی زفیر و شهیق دارد ولی در عین حال بهشتی ها اصلا نمی شنوند لا یَسْمَعُونَ حَسِیسَهَا[[6]](#footnote-7)1 هیچ صدای محسوسی از جهنم به گوش بهشتی ها نمی رسد.

**مقصود از حُسنا در این آیه ی شریفه**

 إنَّ الّذینَ سَبَقَت لَهُم مِنّا الحُسْنی در اینجا به اصطلاح اهل ادب موصوفی محذوف است در آیه ی شریفه إنَّ الّذینَ سَبَقَت لَهُم مِنّا الحُسنی ؛ العدة الحسنی یا الموعدة الحسنی چون کلمه ی حُسنی به اصطلاح اهل ادب اَفْعَلِ تفضیل است و مونّثِ اَحْسن.در مذکّر أحسن گفته می شود در مؤنث حُسنی گفته می شود مثل [اکبر،کُبری] [اصغر، صغری] [اعلی عُلیا] [احسن حُسنا] کلمه ی حُسنا افعل تفضیل است . مؤنّث أحسن و حتما موصوفی در تقدیر دارد که إنَّ الّذینَ سَبَقَت لَهُم مِنّا الحُسْنی (زیباترِ چی)؟زیباترِ العدة الحسنی یعنی آن وعده ی خوشی و وعده ی زیبایی که ما به بهشتی ها داده ایم إنَّ الّذینَ سَبَقَت لَهُم مِنّا الحُسْنی آن بشارت و وعده ی بسیار زیبایی که ما به آنها داده ایم آن اشخاصی که قبلا وعده ی ما به آنها رسیده بخاطر اعمالی که داشته اند و ایمان به بهشت داشتند وعده به آنها داده شده کما اینکه در آیه ی دیگر داریم [وَعَدَ اللهُ المُؤمنینَ و المؤمِنات جَنّاتٍ تَجری مِن تَحتِهَا الأنهار][[7]](#footnote-8)2 که آن آیه با کمال صراحت بیان می کند که ما به اهل ایمان وعده کرده ایم [وَعَدَ اللهُ المُؤمنینَ و المؤمِنات جَنّاتٍ تَجری مِن تَحتِهَا الأنهار] آن آیه مفسّر همین آیه می شود آنی که ما داده ایم [سَبَقَت لَهُم مِنّا الحُسْنی] همان است که [وَعَدَ اللهُ المُؤمنینَ] آن وعده ی زیبا آن بشارت بسیار عالی که ما به آنها داده ایم حالا اینها وقتی رسیدند آن موعد را که آنجا بخواهند ببینند [مُبْعَدُون] یعنی از جهنم خیلی فاصله دارند در دنیا هم چنین بوده اند در دنیا هم اهل ایمان از جوّ شهوات فاصله دارند خیلی دورند مردمی پاک و با تقوا هستند مراقبند که طوری زندگی کنند که اصلا نعره های شیطان به گوش آنها نرسد ولی غیر مؤمنین مردمی هستند که در شکم شیطان زندگی می کنند و شیطان در قلب آنها تخمگذاری کرده بچه گذاشته علی الدّوام نعره ی شیطان به گوش آنها می رسد از همه طرف صداهای شهوت آلوده از جهات مختلف آنها را در برگرفته اما متقیان دورند و از اینها فاصله دارند در همین دنیا هم به گونه ای زندگی می کنند که از جوّ شیطنت از جوّ شهوات حیوانی فاصله دارند اصلا گویی صدای شهوت ها به گوش اینها نمی رسد. اینها متقیانند ارتباط با ذات اقدس الهی دارند مجذوب آن عالمند اینها مجذوب این جهات نمی شوند اینها برای آنها در حکم بادکنک است.انسان عاقل بزرگ که مجذوب بادکنک نمی شود آدمی که چهل پنجاه سال از خدا عمر گرفته هیچ ممکن نیست الان یک خروار بادکنک به او بدهند که با اینها بازی کند؟نه.دوران بازی ما گذشته است.

**ویژگی های مردان الهی و مقام معنوی آنها**

ما دیگر رجال شده ایم [رجالٌ لا تُلْهیهِم تِجارةٌ و لا بیعٌ عَن ذکر الله و إقام الصَّلاة و إیتَاءِ الزَّکاة[[8]](#footnote-9)1] اینها مَردند.چون مردند با بازیچه های دنیا بازی نمی کنند اینها بازیچه است ولذا مولای مردها می فرمود که [وَلألْفَیْتُم دُنیاکُم هذهِ أزهَدَ عِندی مِن عَفْطَةِ عَنْز[[9]](#footnote-10)2] دنیای شما دنیای ما نیست دنیای ما دنیای دیگری ، دنیای الهی است دنیای مناجات دنیای نماز است دنیای شما با همه ی جذّابیّتی که دارد شما را مجذوب کرده در نظر من از آبِ دماغِ بُز پست تر است.حالا این آب دماغ هم گفته می شود تأدّباً گفته می شود وگرنه عَفْطَة معنای دیگری دارد. بهرحال در نظر رجال اینها بازیچه است. [إنّمَا الدُّنیا لهوٌ و لعِب] دنیا برای اهلش بازیچه و سرگرمی است.امّا متّقیان از جوّ شهوات دورند اینها وقتی به آنجا هم برسند اصلا صدای جهنم به گوششان نمی رسد.با جهنّم خیلی فاصله دارند چون جهنّم و بهشت ساخته شده ی عقل و شهوت در این عالم است.کسی که در مسیر عقل حرکت می کند بهشت می سازد آن کسی که در مسیر شهوت حرکت می کند جهنم می سازد.همین شهوت آنجا جهنم خواهد بود و همین عقل آنجا بهشت خواهد بود.پس کسانی که در مسیر عقلند از مسیر شهوات دورند فاصله دارند همین ها آنجا از جهنّم فاصله دارند.[إنَّ الّذینَ سَبَقَت لَهُم مِنّا الحُسْنی أُولئِکَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ \* لا یَسْمَعُونَ حَسِیسَهَا] اصلا صدای محسوسی از جهنم به گوش آنها نمی رسد.در حالی که جهنّمی ها از نعره های جهنّم گوششان کر شده آنها صدای بهشت را نمی شنوند آنها از نعره های جهنّم کرند گفتیم [وَ هُم فِیها لا یَسمَعُون] چنان غرق در جهنمند که هیچ صدای مسرّت بخشی به گوششان نمی رسد.درست نقطه ی مقابل اینها هستند.اما اینها به قدری از جهنم فاصله دارند که اصلا حسیسِ جهنم هم به گوششان نمی رسد [وَ هُمْ فِی مَا اشْتَهَتْ أنفُسُهُمْ خالِدُونَ[[10]](#footnote-11)3] اینها در آن دلبخواه های خود غرقند و در آن جاودان هستند یعنی آنچه دلشان بخواهد در بهشت به ایشان داده می شود [وَ فِیهَا ما تَشْتَهِیهِ الأنْفُسُ وَ تَلَذُّ الأعْیُن[[11]](#footnote-12)4] و در آنجا آنچه دل ها می خواهد و چشم ها از آن لذّت می برد.

 و این آیه هم که فرمود [وَ هُمْ فِی مَا اشْتَهَتْ أنفُسُهُمْ خالِدُونَ] آنچه دلشان بخواهد برای همیشه برای آنها فراهم است.

**جامع ترین کلمه در قرآن در توصیف بهشت و جهنّم**

بعضی بزرگان می گویند جامع ترین کلمه ای که در قرآن، بهشت را خوب نشان می دهد و همه ی آن نواحی و ابعاد لذّت ها را در بر می گیرد همین آیه است [هُمْ فِی مَا اشْتَهَتْ أنفُسُهُمْ خالِدُونَ] آنچه دلشان بخواهد برایشان آماده است آن هم برای همیشه و جامع ترین کلمه ای که وضعیّت جهنّمی ها را هم نشان می دهد در سوره ی سبا می فرماید: وَ حِیلَ بَینَهُم وَ بَینَ ما یَشْتَهُون[[12]](#footnote-13)1 میان جهنمی ها و دلبخواهشان حایل حاصل می شود و به هیچکدام از دلبخواه های خود نمی رسند به هر حال جهنمی ها و بهشتی ها درست نقطه ی مقابل همند بین جهنمی ها و دلبخواهشان حایل ایجاد می شود ولی بهشتیان آنچه دلشان می خواهد به آنها می دهند آن وقت در دنیا انسان خیلی چیزها دلش می خواهد به آن نمی رسد تازه به آن مقدار هم که می رسد هم ناقص است هم موقت است هم آلوده در دنیا کدام نوشی ست که صدها نیش همراهش نباشد؟و کدام نعمتی است که در دنیا ابدی و همیشه باشد و ناقص نباشد؟در دنیا همه ی نعمت های دنیا اوّلاً دلبخواه ما نیست آنچه هم که می رسیم ناقص و موقت و آلوده است.امّا بهشت، نقطه ی مقابل است.هر چه بخواهند به آن ها می دهند در عین حال هم کامل و ابدی و خالص است و آلودگی ندارد.

**تفاوت نوش دنیا با نوش آخرتی**

نوش های بهشت نیش همراهش نیست.در دنیا نوش ها با نیش همراه است.یک شب که قرمه سبزی می خورد به روده و معده اش فشار می آورد سراپای برهنه به سمت مستراح می دود توالت به قول معروف می دود.ما خیال کردیم اگر توالت بگوییم بوی آن کم می شود اگر مستراح بگوییم بو می دهد امّا اگر کلمه ی خارجی توالت را بگوییم بو ندارد.آن چیزی که از خارج بیاید بو ندارد.بعد شخص که وارد مستراح شد گردنش را خم می کنند ملک موکَّلی به او می گوید ببین آن غذایی که پنج ساعت قبل خوردی به چه کیفیت درآمده از باطن فشارش ناراحت کننده از بیرون هم بوی آن مشمئز کننده یعنی مطمئن باش تمام لذّات دنیا یک روز گند آن درمی آید.این مسلّم است.منتهی این گند موقت است اما آن پنجاه شصت هفتاد سال کیف کردن و لذّت بُردن را به این سادگی رها نمی کنند فشار دارد.دَمِ جان دادن چنان فشاری به جان آدم بیافکند که ناله اش گرگ و خوک بیابان را بلرزاند.منتهی ما الان نمی فهمیم نمی شنویم بله یک غذای چرب و نرم این قدر فشار دارد اینجور گند دارد آن وقت پنجاه سال شصت سال کیف کردن، لذّت بردن از مأکولات و مشروبات از ملبوسات از همه ی اینها به سادگی انسان رها می شود. دنیا فشار لذّتش گند دارد.راحتش فشار دارد.این مسلّم است روزی گند آن در خواهد آمد و فشارش محسوس خواهد شد.

نظر آنان که نکردند در این مشتی خاک الحق انصاف توان داد که صاحبنظرند[[13]](#footnote-14)1

صاحبنظران آنها هستند که به این بازیچه ها خود را سرگرم نمی کنند.به این لذّت های زودگذر خود را نمی بازند.آنجا که برسند همه ی آنها خالص است.اینجا موقّت و ناقص و آلوده است.آنجا مؤبَّد و کامل و خالص است. الدّار الآخرة عند الله خالصة[[14]](#footnote-15)2 دار آخرت تمام آن خالص است.

**مؤمنان مصون از فزع اکبر**

 لا یَحْزُنُهُمُ الفَزَعُ الأکبر[[15]](#footnote-16)3 اینها بقدری مورد لطف و عنایتند که فَزَع اکبر آنها را غمگین نمی کند. ما حالا چه می دانیم آنی که خدا از آن به فزع اکبر تعبیر کند چه بلایی سر راه ما هست ما نمی دانیم چه مصیبت و وحشت بزرگ و ترس عظیمی پیش روی ماست را که خدا اکبر تعبیر کند معلوم می شود خیلی بالاست.ما از تصوّر آن هم عاجزیم فزع اکبر مردمی را بدبخت خواهد کرد که فاسق و فاجرند امّا مؤمنین راحتند.متّقین [لا یَحْزُنُهُمُ الفَزَعُ الأکبر] با دیدن فَزَع اکبر هم غصّه ای ندارند.از فزع اکبر تفسیر متعدّد شده شاید بهتر آن همین است که فرمودند وقتی بهشتی ها را در بهشت جا دادند و جهنّمی ها را در جهنم قرار گرفتند مرگ را به صورت یک گوسفندی می آورند و می خوابانند و سر آن را می بُرند.خود مرگ راحتی است.همه ی جهنمی ها آرزو می کنند کی می شود که مرگ سراغ ما بیاید و ما را راحت کند.امّا آنجا مرگ نیست لا یَمُوتُ وَ لا یَحْیَی[[16]](#footnote-17)4 نه حیاتی دارند و نه مرگی دارند.مرگ را هم می کشند وقتی که مرگ را سر بریدند بهشتی ها غرق در خوشحالی می شوند که دیگر مرگ نداریم غرق در نعمتیم.جهنّمی ها غرق در بدبختی می شوند آرزو داشتیم مرگ به سراغ ما بیاید مرگ را هم کشتند از مرگ هم خبری نیست.این فزع اکبر است.چه غصّه ها به دلشان ریخته می شود بدبختی ابدی ست.حالا ما خلود را نمی توانیم تصوّر بکنیم اگر اندکی تصوّر کنیم سرسام آوراست.انسان با تصوّر خلود دیوانه می شود.مگر آسان است؟آدم یک ساعت دو ساعت یک روز یکماه یکسال ده سال صد سال هزار سال نه بطور ابدی ست تا خدا خدایی دارد خلود است.وقتی مرگ ذبح شد فزع اکبر برای جهنمی ها شروع می شود اما بهشتی ها نه لا یَحْزُنُهُمُ الفَزَعُ الأکبر

**حزن و اندوه جبرئیل از عذاب دردناک کافران**

 پناه بر خدا می بریم اگر این روایاتی که ذیل آیات رسیده راست باشد ما که مطمئنیم راست است منتهی به قول حافظ وای اگر از پس امروز بُوَد فردایی. صدوق رحمهُ الله علیه فرمودند نقل می کنند بإسناده عن مولانا الصادق علیه الصلاة و السّلام که فرمود: بَیْنا رسول الله صلّی الله علیه و آله رسول خدا نشسته بودند جبرئیل نازل شد وَ هُوَ کَئِیبٌ حَزینٌ در حالی که خیلی محزون، افسرده بود مُتَغَیَّرٌ اللَّوْنِ یعنی رنگ پریده و پریشان رنگ هر کسی مناسب با شأنِ خودِ او است.رسول خدا درک کرد که جبرئیل متغیّر الّلون است رسول خدا به او گفت فَقالَ رسول الله: یا جبرئیل ما لی أَراکَ کَئِیباً حَزِیناً؟ چرا آنقدر پریشانی؟ قالَ یا رَسولُ الله فَکَیْفَ لا أَکُونُ کَذلِک جبرئیل گفت چرا چنین نباشم؟ وَ إنَّمَا وُضِعَتْ مَنافِیخُ جَهَنَّمَ الْیَوْمَ مَنْفَخْ های جهنم را گذاشتند و دریچه ها را بستند.مَنْفَخْ جایی ست که می دمند دریچه ای بسته شد فَقال رسولُ الله وَ ما مَنافِیخُ جَهَنَّم رسول خدا پرسید مراد از منافیخ جهنم که گفتی چیست؟ إنَّ الله تعالی أَمَرَ بالنّار خداوند به فرشتگانی که موکل بر آتش بودند دستور داد فَأُوْقِدَ عَلَیها أَلْفَ عام حَتَّی احْمَرَّتْ هزار سال در آتش دمیدند تا

سرخ شد ثُمَّ أَوْقَدَ عَلَيْهَا أَلْفَ عَامٍ فَابْيَضَّتْ بعد هزار سال دیگر دمیدند تا سفید شد از آن سرخی به سفیدی تبدیل شد ثُمَّ أَوْقَدَ عَلَيْهَا أَلْفَ عَامٍ هزار سال دیگر در آتش دمیدند فَاسْوَدَّتْ پس سیاه شد فَهِيَ سَوْدَاءُ مُظْلِمَةٌ الان آتش جهنم سیاه و تاریک است فلو أن حلقةً اگر یک حلقه از آن زنجیرهای آتشین جهنم به دنیا بیفتد (که طولش هفتاد زراع است) در قرآن هم آمده است (ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًافَاسْلُكُوهُ[[17]](#footnote-18)1) اگر یک حلقه از آن حلقه های زنجیرهای آتشین جهنم به دنیا بیفتد (لذابت من حَرِّها) تمام دنیا آب و ذوب می شود [و لو أن قطره من الزقوم و الضریع قطرت] اگر یک قطره از زقّوم از آن مایعات سوزان آتشین جهنم در آبهای دنیا ریخته بشود [اهل الدنیا لمات اهلها] از گَندِ عفونتش همه ی مردم دنیا می میرند.رسول خدا می داند آن چیست! فبکی رسول اللّه پس رسول خدا گریان شد جبرئیل هم همراه رسول خدا گریه کرد تا خداوند مَلَکی را بر آنها نازل کرد پیغام آورد [فَقال لَهُما اِن رَبُّکُما یَقْرَءُ کُما السَّلام وَ یَقُول: قَدْ آمَنْتُکُما اِنْ تَذْنَباً ذَنْبا اِعذَبَکُما[[18]](#footnote-19)] من شما را از جهنم امان داده ام شما را که عصمت دارید و گناهی نمی کنید از جهنّم امان داده ام این هم روایاتی است که ذیل این آیه رسیده است.

**عظمت سلطنت مؤمن در روز قیامت**

اما متقین [وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ[[19]](#footnote-20)1] فرشتگان به استقبالشان می روند خوشا به حال اهل بهشت.بعد می گویند هَٰذَايَوْمُكُمُ  امروز آن روزی است که  الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ به شما وعده داده اند امروز روز سعادت شماست روز حیات ابدی شماست خوشا به حال آنها که این راه را پیش پای همه ی ما باز کرده اند هم راه جهنم باز است هم راه بهشت باز است.می توانیم از آن گروه باشیم می توانیم از این گروه باشیم آمده است وقتی بهشتی ها را وارد غرفه ی بهشت می کنند هزار ملک از جانب خدا مبعوث می شوند برای تبریک این مهمان تازه وارد که در غرفه ی بهشتی وارد شوند ولی به این سادگی ملائکه نمی توانند با او ملاقات کنند؟او سلطانی است و دارای سلطنتی است وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا[[20]](#footnote-21)2 سلطنت بزرگ آنجاست.تازه فرشتگان خدا که آمدند به آنها راه نمی دهند. اول به آن موکّلی که در اولین درِ جَنان قرار گرفته وارد می شوند بهشت چندین در دارد فرشتگان وقتی به در اوّل بهشت می رسند می گویند ما از جانب خدا مأموریم که به آقای مؤمن تبریک بگوییم آنها می گویند صبر کنید ما به حاجب اطلاع بدهیم حالا به این سادگی ها نیست بین آن موکّل و حاجب سه تا باغ فاصله است به آن حاجب اطلاع می دهند که از جانب خدا برای تبریک آمده اند آنها می گویند صبر کنید ما به قیّم اطّلاع بدهیم که آن هم یک موکّل دیگری که دو تا باغ میان حاجب و قیّم فاصله است به قیّم اطلاع می دهند که فرشتگان از جانب خدا برای تبریک آمده اند.می گوید صبر کنید تا اطلاع بدهیم به آن خدّام مخصوص غرفه، در خودِ قرآن هم داریم بهشتیان غرفه دارند بعد به او اطلاع می دهند و به عرض مؤمن می رسانند که خلاصه از جانب خداوند مأمورین برای تبریک آمده اند. اجازه ی ورود داده می شود و وارد می شوند و به قصری که هزار در دارد از هر دری ملکی وارد می شود و به هر دری هم موکّلی هست در هر دری هم نگهبانی هست و هزار ملک هم از هر دری وارد می شود که قرآن هم اشاره دارد وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ[[21]](#footnote-22)3 از هر دری ملائکه وارد می شوند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ ۚفَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ[[22]](#footnote-23)4 این چه سلام عظیمی است این سلام، سلام خاصّی است.سلامی که ما به هم می گوییم خشک و خالی است هیچ فایده ای ندارد سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ ۚفَنِعْمَعُقْبَىالدَّارِ سلام از جانب خدا به فرد بهشتی می رسد.این بسیار مهم است.

**مهمانی با شکوه خدا و انبیاء علیهم السلام از مؤمنان در روز قیامت**

بعد هم وقتی که تبریک گفته شد مهمانی ها شروع می شود از اهل بهشت که وارد شده اند باید مهمانی کنند اول انبیاء، مهمانی دارند حضرت آدم پدر بزرگِ اول او باید از بهشتی ها دعوت کند از فرزندان خودش پذیرایی کند.آنجا هم هفته است شنبه یک شنبه دو شنبه ...دارد صبح و شام دارد رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا[[23]](#footnote-24)1 حالا نمی فهمیم حالا صبح و شام آنجا چگونه است هفته چگونه است.بهرحال روز شنبه نوبت ضیافت حضرت آدم است حضرت آدم پدربزرگ ما ضیافتی دارد.روز یکشنبه نوبت حضرت نوح علیه السلام است.روز دوشنبه نوبت ابراهیم علیه السلام روز سه شنبه حضرت موسی علیه السلام.روز چهارشنبه نوبت حضرت عیسی علیه السلام و روز پنج شنبه نوبت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم و روز جمعه ضیافت شخص ذات اقدس حضرت حق است.حالا جمعه چگونه است و به چه صورت و به چه کیفیت است بعد دستور می دهند فرشتگانی بیایند مرکب های مخصوصی از نور برای مهمان ها بیاورند.مرکب هایی که خدا بفرستد و برای مهمان هایش ببرند اون مرکب ها مزیّن به انواع زینت های بهشتی و اینها سوار می شوند و پرواز می کنند به آنجا که موعد و میعاد است برای شرفیابی به حضور خدا برسند.سلام می کنند وارد می شوند [ربناأنت السلام و من عندک السلام و لک حق السلام] خدا هم جوابشان می دهد [علیکم السلام مِنّی و رحمتی و محبتی مرحبا و اهلا بعبادی المومنین] خوش آمدید [مرحبا و اهلا بعبادی المومنین الذین عطائونی فی الدنیا و راعه اهلی] خوش آمدید بندگان خوب من که شما در دنیا مطیع من بودید مراعات من داشتید تقوای من داشتید

**لذّت خاصّ استماع کلام خدا و ملاقات با خدا در بهشت**

 و بعد آنها هم با انواع پذیرایی که ما عقلمان نمی رسد پذیرایی می شوند و بعد اینها هوس می کنند که خدایا حالا می خواهیم صدای تو را بشنویم کلام تو را بشنویم استماع کلام خدا لذّتی دارد اجابت می شود و از لذت استماع چنان از خود بی خود می شوند که به رو می افتند و بعد دوباره لقاء خدا را تقاضا می کنند.ما درک نمی کنیم حالا لقاء چیست؟در این که این ملاقات هست شکی نیست وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ[[24]](#footnote-25)2 و بدانید که شما با او ملاقات خواهید کرد.

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰرَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ [[25]](#footnote-26)3، وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ هر که می خواهد به دیدار من برسد باید عامل به عمل صالح بوده مشرک نباشد فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا[[26]](#footnote-27)4 آری موحد باشید در این دنیا خود را برای لقای من آماده کنید بعد هم بهشتیان لقاء خدا را تقاضا می کنند عنایت می شود نور خدا نور جمال و جلال خدا بر آنها تجلی می شود که چنان می شوند که خود را می بازند بیهوش می شوند گاهی به رو می افتند و بعد سر بر می دارند می گویند خدایا آن چنان که باید تو را در دنیا نشناختیم آن چنان که باید در دنیا عبادت کنیم نکردیم حالا اجازه بده ما سجده کنیم جواب می دهند نه گذشت اینجا جای سجده نیست بود عمل کردید و اینجا جای نعمت و عزّت ابدی است َتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ منظوراین بود که خداوند این نعمت را برای متقین نشان می دهد که اینها نه صدای جهنم را می شنوند و نه فزع اکبر آنهاا را غمگین می کند بلکه فرشتگان ما به استقبالشان می روند وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَٰذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ[[27]](#footnote-28)1 خوش آمدید این همان روزی است که به شما وعده کرده ام.

پروردگارا! به حرمت قرآن کریم و عترت طاهره به همه ی ما توفیق عمل به وظایف دینی عنایت بفرما.

قلوب ما را به نور ایمان منوّر بگردان.

توفیق تقوا و تهذیب نفس به همه ی ما عنایت بفرما.

ما را در زمره ی محبّین مولی المتقین علیه السلام محشور بگردان.

حُسن عاقبت به همه ی ما عنایت بفرما.

 والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

1. . مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد،جلد 1، صفحه 33 [↑](#footnote-ref-2)
2. 1 . مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد،جلد 1، صفحه 33 [↑](#footnote-ref-3)
3. 2. سوره ی مبارکه ی انبیاء ، آیات 101 و 102 [↑](#footnote-ref-4)
4. 3 سوره ی مبارکه ی انبیاء، آیه ی 97 [↑](#footnote-ref-5)
5. 4.سوره ی مبارکه ی هود، آیه ی 106 [↑](#footnote-ref-6)
6. 1 .سوره ی مبارکه ی انبیاء، آیه ی 102 [↑](#footnote-ref-7)
7. 2 .سوره ی مبارکه ی توبه، آیه ی 72 [↑](#footnote-ref-8)
8. 1 . سوره ی مبارکه ی نور ، آیه ی37 [↑](#footnote-ref-9)
9. 2 . نهج البلاغه، خطبه 3 [↑](#footnote-ref-10)
10. 3.سوره ی مبارکه ی انبیاء ، آیه ی 102 [↑](#footnote-ref-11)
11. 4. سوره ی مبارکه ی زخرف، آیه ی 71 [↑](#footnote-ref-12)
12. 1 . سوره ی مبارکه ی سبأ ، آیه ی 54 [↑](#footnote-ref-13)
13. 1 . سعدی،غزل 20 [↑](#footnote-ref-14)
14. 2 . سوره ی مبارکه ی بقره، آیه ی 94 [↑](#footnote-ref-15)
15. 3 . سوره ی مبارکه ی انبیاء ، آیه ی 103 [↑](#footnote-ref-16)
16. 4. سوره ی مبارکه ی اعلی، آیه ی 13 [↑](#footnote-ref-17)
17. 1 . سوره ی مبارکه ی حاقه، آیه ی 32 [↑](#footnote-ref-18)
18. . لئالی الاخبار، ص 1766 [↑](#footnote-ref-19)
19. 1. سوره ی مبارکه ی انبیاء، آیه ی 103 [↑](#footnote-ref-20)
20. 2. سوره ی مبارکه ی انسان، آیه ی 20 [↑](#footnote-ref-21)
21. 3. سوره ی مبارکه ی رعد، آیه ی 23 [↑](#footnote-ref-22)
22. 4 . سوره ی مبارکه ی رعد، آیه ی 24 [↑](#footnote-ref-23)
23. 1 .سوره ی مبارکه ی مریم، آیه ی 62 [↑](#footnote-ref-24)
24. 2 .سوره ی مبارکه ی بقره، آیه ی 223 [↑](#footnote-ref-25)
25. 3 . سوره ی مبارکه ی انشقاق، آیه ی 6 [↑](#footnote-ref-26)
26. 4 .سوره ی مبارکه ی کهف، آیه ی 110 [↑](#footnote-ref-27)
27. 1.سوره ی مبارکه ی انبیاء ، آیه ی 103 [↑](#footnote-ref-28)